بسم الله الرحمن الرحیم

مسابقه حفظ و تدبر ۱۵ آیه منتخب قرآن کریم – جشنواره قرآنی مشکات – طبس – ۱۴۰۱

آیه ۱ :

وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِين

(آیه ۱۵۵ سوره بقره)

و قطعاً با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، امتحانتان می‌کنیم و صابران را مژده بده.

مقام معظم رهبری: مصیبت ها گاهی برای انسان، بلاست؛ گاهی برای انسان نعمت است. اگر مصیبت‌ها ما را بیدار نکند، بلکه تنبل کند، بلای مضاعف است؛ اما اگر مصیبت ها ما را به خود بیاورد و ضعف‌ها و کم‌کاری‌ها و غفلت‌های ما را به ما نشان دهد و ما همّت کنیم و این رخنه‌ها را ترمیم نماییم، این بلا برای ما به نعمت تبدیل می‌شود.

در مواجهه‌ی با مشکلات، با موانع طبیعی، با همه موانعی که سد راه انسان در همه حرکت‌های کمال می‌شود اسلام پیروز است. جند الله، حزب الله، بنده‌ی خدا، عباد الله، این‌ها با ارتباط و اتصالشان با آن منبع لایزال، در مقابل همه مشکلاتی که انسان ممکن است مغلوب آن مشکلات بشود، ایستادگی می کنند. ذکر خدا اهمیتش اینجاست؛ فرصت ماه رمضان اهمیتش اینجاست. فرصت ازدیاد یقین را باید مغتنم شمرد. وقتی این‌ها شد، آن وقت صبر جامعه اسلامی و امت اسلامی و بنده‌ی مسلمان همان چیزی خواهد شد که می تواند بر همه مشکلات غلبه پیدا کند. آن وقت هم در میدان سیاست، هم در میدان اقتصاد، هم در میدان معنویت، این جامعه پیش می رود. ما باید به این واقعیت خودمان را نزدیک کنیم.

نکته‌ها:

خداوند متعال، همه‌ی انسان‌ها را آزمایش می کند، امّا آزمایش و امتحان همه یکسان نیست. تمام جهان، صحنه آزمایش و تمام مردم حتّی پیامبران نیز مورد امتحان قرار می‌گیرند. باید بدانیم که آزمایش‌های خداوند برای رفع ابهام نیست، بلکه برای شکوفایی استعدادها و پرورش انسان‌ها است. وسایل آزمایش الهی نیز تمام حوادث تلخ و شیرین و از جمله ترس و گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات است. ترس از دشمن، محاصره‌ی اقتصادی، جنگ و جهاد و اعزام فرزندان و عزیزان به میدان‌های نبرد، از جمله امتحانات است.

برای پیروزی در آزمایشِ خوف از دشمن، نیاز به توکّل و یاد خداست و برای مبارزه با کمبودها، نیاز به صبر است که در دو آیه قبل «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاه» راه را نشان داده است.

گاهی کم شدن مال و محصولات یا پیدا شدن خوف و ترس و سایر مشکلات، به خاطر آزمایش الهی است، ولی در بعضی اوقات، این امور کیفر اعمال خود انسان‌هاست. انسان‌ها گاهی مرتکب بعضی گناهان می‌شوند که خداوند آنها را به برخی گرفتاری‌ها مبتلا می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: همانا خداوند، بندگان خود را به خاطر اعمال فاسدشان، به کمبود محصول و حبس برکت و بسته شدن منابع خیر، گرفتار می‌کند تا شاید متذکّر شوند و توبه نمایند.

راه پیروزی در آزمایش‌های الهی چند چیز است:

الف: صبر و مقاومت؛

ب: توجّه به گذرا بودن حوادث و مشکلات؛

ج: توجّه به تاریخ گذشتگان که چگونه مشکلات را پشت سر گذارده‌اند؛

د: توجّه به اینکه همه مشکلات ما در منظر و دید خداست و همه چیز حساب دارد.

پیام‌ها:

۱. آزمایش و امتحان یک برنامه و سنّت حتمی الهی است. «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ»

۲. ناگواری‌ها، سبب مقاومت و رشد است. بسیاری از صفات انسان از قبیل صبر، رضا، تسلیم، قناعت، زهد، تقوا، حلم و ایثار، در سایه‌ی برخورد با تنگدستی‌ها است. «وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»

آیه ۲:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (آیه ۲۴ سوره انفال)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وقتی پیامبر از طرف خدا به کارهایی دعوتتان می‌کند که مایه‌ی حیات خودتان است، دعوت خدا و پیامبر را بپذیرید. بدانید که خدا حتی میان انسان و دل او حایل می‌شود و خدا همان است که شما را دسته جمعی به محضرش می‌برند.

مقام معظم رهبری: در فضای زندگی ما باید قرآن حکومت کند و برکات قرآنی موج بزند. در سایه‌ی قرآن است که معرفت و بصیرت و شجاعت و اقدام ما معنا پیدا می‌کند و به هدف‌های درست متوجه می شود. قرآن به مومنین می‌گوید: ای مومنین! وقتی خدا و پیامبر خدا شما را به حیات و به زندگی واقعی دعوت می‌کنند، به ندای آن‌ها پاسخ بدهید. این چه حیاتی است که خدا و پیامبر، ما را به آن دعوت می‌کنند؟ در یک کلمه، این حیات شایسته انسان است.

حیات پاکیزه، فقط خوردن و لذت بردن و شهوت‌رانی نیست؛ این که دعوت خدا و رسول را نمی‌خواست. حیات طیبه، عبارت از این است که این زندگی در راه خدا و برای رسیدن به هدف‌های عالی باشد.

اسلام مرده‌های اجتماعی و سیاسی را زنده کرد؛ "اذا دعاکم لما یحییکم". نمونه‌اش کشور ماست؛ این ملتی که قرن‌های متمادی در زیر فشار استبداد سلاطین ظلم و جور، هویت و قدرت تصمیم و قدرت عمل خودش را از دست داده بود؛ در این صد سال اخیر هم در زیر فشارهای مضاعف استعمار و استکبار و دخالت خارجی، اعتماد به نفس خود را به کلی از دست داده بود، اسلام این ملت را به یک ملت پیشرو، مقدّم در میدان علم، در میدان عمل، در میدان سیاست، در میدان تفکّر، در میدان تعقل و تأمل و در ابتکارات زندگی تبدیل کرد.

نکته‌ها:

مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست، بلکه مقصود حیات فکری، عقلی و معنوی، اخلاقی و اجتماعی و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها می‌باشد. حیات انسان، در ایمان و عمل صالح است و خداوند و انبیا هم مردم را به همان دعوت کرده‌اند.

حایل و فاصله شدن خدا میان انسان و قلبش، نشان‌دهنده‌ی حاضر و ناظر بودن خداوند در همه جا و احاطه‌ی او بر تمام موجودات است و اینکه قدرت و توفیق از اوست.

پیام‌ها:

۱. شرط ایمان واقعی، اجابت کردن دعوت خدا و رسول است. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ»

۲. حرکت در مسیر خدا و انبیا، حیات واقعی است و کناره گیری از آن، مرگ انسانیّت است. «دَعاکُمْ لِما یُحْیِیکُمْ»

۳. تمام دستورات دینی و فرامین انبیا، حتّی فرمان جنگ و جهاد، مایه‌ی حیات فرد و جامعه می‌باشد. «دَعاکُمْ لِما یُحْیِیکُمْ»

۴. کسی که به حضور و احاطه خداوند ایمان داشته باشد، از دعوت پیامبران سرپیچی نمی‌کند. «اسْتَجِیبُوا» ... «یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ»

۵. نه مؤمن مغرور شود و نه از کافر مأیوس شوید، چون دلها به دست خداست و او مقلّب القلوب است. «یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ»

۶. هر فکر و اندیشه‌ای که بر دل انسان بگذرد، خداوند بدان آگاه است. «یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ»

۷. خداوند از هر چیزی به انسان نزدیک‌تر است، حتّی از قلب او به خودش. «یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ»

۸. همه‌ی ما خواسته یا ناخواسته در قیامت محشور خواهیم شد، پس به رسولان الهی پاسخ مثبت دهیم. «اسْتَجِیبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ» ... «إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ»

آیه ۳:

تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُون (آیه ۲۵ سوره ابراهیم)

(شجره‌ی طیّبه) با اذن پروردگارش، همواره میوه می‌دهد. خدا برای مردم این نکته‌ها را می‌آورد تا متوجه شوند که خوشبختی در گرو یکتاپرستی است.

مقام معظم رهبری: خداوند متعال کلمه‌ی طیبه را به درخت پاکیزه و بارور تشبیه کرده است؛ ریشه‌ها در زمین استوار و شاخ و برگ آن در فضا پراکنده است و به تناسب موقعیت و انتظار، میوه خود را به مشتاقان می‌دهد. کلمه‌ی طیبه، هر آن فکری است که در دل یک انسان بزرگ و الهی برویَد و منشاء برکات برای مردم بشود؛ هر آن عملی است که از جوارح یک انسان صالح سر بزند و برای هدایت بشر و رشد عالم انسانیت دارای برکات باشد. چنین کلمه‌ی طیبه، آن انسانی است که این اندیشه‌ی نیکو یا این عمل صالح در وجود او متحقق شده است. این جور است که شما می بینید امام بزرگوار ما هر روز گویی زنده‌تر می‌شود.

نکته‌ها:

جز خداوند و ایمان به او، همه چیز فانی است و چیزی که فانی است نمی‌تواند برای همیشه ثمر دهد، ولی هر کاری که رنگ خدایی دارد ابدی است. درخت ایمان همواره ثمر می‌دهد و مومن در همه حال به یاد خدا و در پی انجام وظیفه است، در رفاه یا سختی، در خوشی یا ناخوشی، در فقر و غنی. هنگام تهدید ستمگران، تا پای جان مقاومت می‌کند «إِنَّا إِلى رَبِّنا راغِبُونَ». هنگام تبلیغ، چشم داشتی به دیگران ندارد «إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ». هنگام خشم، برای رضای او خود را نگاه می‌دارد «وَ الْكاظِمِينَ الْغَيْظَ» هنگام ازدواج، بر او توکّل می‌کند «إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». هنگام عبادت و اطاعت، قصد قربت دارد «إِنَّ صَلاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيايَ وَ مَماتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ». هنگام فقر، نزد اغنیا نمی‌رود و اهل تملّق نیست «رَبِّ إِنِّي لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ». هنگام پیروزی یا شکست در جبهه‌ی نبرد، چون به وظیفه‌ی خود عمل کرده‌اند، خوشحال است «إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ». آری! ایمان به خداوند متعال، همچون درختی است که میوه‌ی آن در هر لحظه، در دنیا و برزخ و قیامت انسان را کامیاب می‌کند. «تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ» ولی مال و مقام و فرزند و نعمت‌های دیگر، همچون درختی است که تنها چند روز میوه می‌دهد، آن هم میوه‌ای بسیار اندک. بگذریم که گاهی همین مال و مقام و فرزند، هیچ میوه‌ای ندارند و تنها وسیله‌ی شکنجه روحی انسان می‌شوند «إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِها».

پیام‌ها

۱. درخت ایمان، همواره ثمر دارد و مؤمن پاییز و خزان ندارد. «أُكُلَها كُلَّ حِينٍ»؛

۲. تشبیه و تمثیل، شیوه‌ای قرآنی برای توجه و تذکر مردم. «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

آیه ۴:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون
(آیه ۲۷۴ بقره)

کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، اجر و پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند.

نکته‌ها:

در تفاسیر صافی، مجمع البیان، قرطبی و کبیر فخر رازی آمده که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است. البته وعده‌ی این آیه، شامل همه کسانی می‌شود که این گونه عمل کنند. چنین افرادی نه از فقر و تنگدستی بیم دارند، چون به وعده‌های خداوند ایمان داشته و به او توکّل می‌کنند، و نه به‌خاطر انفاق، اندوهگین می‌شوند، چون به رضایت الهی و آثار اخروی انفاق توجّه دارند.

انفاق، علاوه بر انفاق مال و ثروت، شامل انفاقِ علم، آبرو و مقام نیز می‌شود.

پیام‌ها:

۱. داشتن روحیّه‌ی انفاق و سخاوت مهم است، نه یکی دو بار انفاق آنهم از روی ترحّم.

۲. تعیین نشدن اجر الهی، نشانه‌ی گستردگی آن است. «أَجْرُهُمْ»

۳. وعده‌های الهی، بهترین مشوّق انسان در کارهای نیک است. «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ»

۴. آرامش و امنیّت، از برکات انفاق است. «لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ»

آیه ۵:

اُتْلُ ما أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتابِ وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ (آیه ۴۵ سوره عنکبوت)

هر چقدر از آیه‌های قرآن را که به تو وحی شده است، به‌دقت بخوان. نماز را هم با آدابش بخوان که نماز جلوی کارهای زشت و ناپسند را می‌گیرد و البته از آن مهم‌تر یاد کردن خداست. خدا ریزه‌کاری‌های گفتار و رفتارتان را می‌داند.

مقام معظم رهبری: انسانی که با تقواست، یعنی مراقب خودش هست و منشأ شر و ظلم و فساد و طغیان و بدی به این و آن نمی شود. آن ذکر الهی مرتب دارد او را نهی می‌کند و باز می‌دارد. بعضی خیال می‌کنند "الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر" معنایش این است که اگر نماز خواندی، دیگر فحشاء و منکر از بین خواهد رفت؛ نه، معنایش این است که وقتی نماز می‌خوانی، آن

واعظ درونیِ تو که با نماز جان گرفته، او مرتب به تو از بدیِ فحشاء و منکر می‌گوید و گفتن و تکرار کردن و بر دل فروخواندن، طبعاً اثر دارد و دل را خاضع و خاشع می‌کند. لذا می‌بینید نماز هر روز چند بار باید تکرار بشود.

نکته‌ها:

در این آیه خداوند به پیامبرش دستور تلاوت قرآن و نماز را در کنار هم داده و این به خاطر آن است که قرآن و نماز دو منبع نیروبخش می‌باشند. خداوند که به پیامبرش از یک مسئولیّت سنگین خبر می‌دهد، به او می‌فرماید: برای انجام این مسئولیّت سنگین، از دو منبع نیروبخش کمک بگیر. علاوه بر این آیه، نماز و قرآن، بارها در کنار هم آمده است از جمله: «یَتْلُونَ کِتابَ اللَّهِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ» و «یُمَسِّکُونَ بِالْکِتابِ وَ أَقامُوا الصَّلاه».

برای جمله «لَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ» چند معنا بیان شده است:

الف: نماز، بزرگ‌ترین ذکر الهی است. به دلیل آیه‌ی «أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْرِی» که نماز را ذکر خداوند می‌داند.

ب: یاد خدا (و حضور قلب)، بالاتر از ظاهر نماز است.

ج: یاد خدا برای انسان از همه کارها برتر است.

د: یاد خدا، برای جلوگیری از فحشا و منکر بالاتر از هر اهرم دیگر است.

ه: یاد خدا از شما، بزرگ تر از یاد شما از خدا است. (البتّه این معنا با توجّه به روایات در ذیل آیه «فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ» برداشت شده است.)

به پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم خلاف می‌کند، فرمود: بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام علیه السلام فرمود: به اندازه‌ای که نماز، انسان را از منکرات باز می‌دارد، به همان اندازه قبول می‌شود.

پیام‌ها:

۱. تنها آشنایی با مفاهیم، تلاوت و آموزش قرآن کافی نیست، بلکه عمل لازم است. «اتْلُ ... أَقِمِ»

۲. قرآن و نماز، در رأس برنامه‌های تربیتی است. «اتْلُ ... أَقِمِ»

۳. در تبلیغ و ارشاد، حکمت و آثار دستورات دینی را بیان کنیم. «أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ»

۴. در پیشگاه خداوند، نماز از عظمت و جایگاه خاصّی برخوردار است. «أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ» (تکرار کلمه‌ی «صلوة»)

۵. نقش اصلاحی نماز در فرد و جامعه حدسی و پیشنهادی نیست، بلکه قطعی است.

۶. اگر نمازِ انسان، او را از فحشا و منکر باز نداشت، باید در قبولی نماز خود شک کند. «إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی»

۷. گسترش کارهای نیک و معروف، به طور طبیعی مانع رشد منکر است. «الصَّلاةَ تَنْهی»

۸. علم خداوند، ضامن اجرای صحیح دستورات اوست. «وَ اللَّهُ یَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ»

۹. در نماز، انواع راز و رمزها، هنرها و سلیقه‌ها نهفته است. «ما تَصْنَعُونَ»

آیه ۶:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمِیعاً فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (آیه ۱۰۵ سوره مائده)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خودتان باشید؛ چون اگر در راه درست باشید، گمراهیِ گمراهان به شما ضرری نمی‌زند. به سوی خداست برگشتن همه‌تان. پس، از کارهایتان باخبرتان می‌کند.

مقام معظم رهبری: اشکال کار ما انسان ها غفلت از خطای خود، غفلت از لزوم اصلاح، و غفلت از اجرایی کردن اصلاح در خود است. اگر این غفلت ها از بین رفت و اگر این عزم به‌وجود آمد، همه چیز اصلاح می‌شود. در مرحلهٔاول - که مرحله‌ی مقدماتی و جزو بزرگ ترین وظایف ماست - خودمان اصلاح می‌شویم، که اساس هم این است؛ یعنی همه‌ی کارها مقدمه‌ی اصلاح خود است؛ همه‌ی کارها مقدمه‌ی کسب رضای الهی از خود است؛ همه‌ی تلاش‌ها و مجاهدت‌ها برای این است که بتوانیم خدا را از خودمان راضی کنیم و به کمالی که در اصل آفرینش برای ما در نظر گرفته شده، خود را برسانیم.

یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم؛ دیگران بروند، نروند؛ حرکت کنند، نکنند؛ دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد، از این جهت تفاوت نمی‌کند. وظیفه‌ی هر فردی به‌عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند؛ «علیکم انفسکم لا یضرّکم من ضلّ اذا اهتدیتم». باید این حرکت را انجام بدهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده‌ی این راه چیست؟ این جاده، همان واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه‌ی این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل می‌کند؛ سرعت می‌بخشد. تقوا هم عبارت است از خویشتن‌پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند.

شما نگاه نکن که یک نفر تخلّف می‌کند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لا یضرّکم من ضلّ اذ اهتدیتم». شما چه کار داری که دیگری گمراه شد؟ شما خودت را نگهدار و حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است.

نکته‌ها:

بعضی این آیه را دستاویز قرار داده و می‌گویند: وظیفه‌ی هر کس تنها حفظ خود است، و ما مسئول گناه دیگران و امر و نهی آنان نیستیم! در پاسخ آنان می‌گوییم: با وجود آیات و روایات متعدّد که همه نشان از وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد، باید گفت: مراد این آیه رها کردن این دو وظیفه نیست، بلکه مراد آن است که اگر امر و نهی صورت گرفت، ولی اثر نکرد شما دیگر وظیفه‌ای جز حفظ خود ندارید. علاوه بر آنکه حفظ جامعه از گناه به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق «حفظ خویشتن» است.

پیام‌ها:

۱. در راه حقّ، از تنهایی نترسیم. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ»

۲. اگر حریف دیگران نمی‌شویم، حریف نفس خود باشیم. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ ...»

۳. انحراف جامعه، مجوز گناه کردن افراد نیست. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ ...»

۴. در قیامت، هر کس مسئول کار خویش است. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ»

۵. در پی کشف و افشای عیوب دیگران نباشیم. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ»

۶. اوّل خودسازی، سپس جامعه سازی. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ»

۷. اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقائد باطل آنان مؤاخذه نخواهند شد. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ»

۸. در راه نجات دیگران، خودتان غرق نشوید. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ»

۹. چنان باید تربیت شویم که فساد محیط و جامعه در ما تأثیر نگذارد. «لا یَضُرُّکُمْ»

۱۰. از خارج، کسی به شما آسیب نمی‌زند. اگر شکست بخورید، از خودتان است. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ»

۱۱. روحیّه‌ی خود را به خاطر انحراف دیگران از دست ندهیم. «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ»

۱۲. راه اسلام چنان منطقی و استوار است که شبهه و انحراف دیگران به آن خلل نمی‌رساند. «لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ» ۱۳. گرچه منحرفان در کمین هستند، امّا راه مصونیّت یافتن، هدایت پذیری است. «لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ»

۱۴. ایمان به معاد، عامل خودسازی است. «إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ»

۱۵. پیروی از نیاکان و تقلید کورکورانه از دیگران، در قیامت نجات‌بخش انسان نیست، بلکه هر کس باید پاسخگوی راه و عمل خویش باشد. («عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ» ... «فَیُنَبِّئُکُمْ»)

۱۶. رفتار و کردار انسان در دنیا، فرجام او را در قیامت روشن می‌کند. «فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

آیه ۷:

وَ مِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَکَ عَسی أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً (آیه ۷۹ سوره اسراء)

و قسمتی از شب را برای خواندن نماز شب بیدار باش و این وظیفه‌ای اضافه برای توست، به این امید که خدا تو را به جایگاهی تحسین برانگیز برساند.

نکته‌ها:

«فَتَهَجَّدْ»، به معنای برطرف کردن خواب با عبادت می‌باشد.

نماز شب از نمازهای بسیار با فضیلت است و در سوره‌های مزّمل و مدّثر آمده است: «قُمِ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا» در روایات بیش از ۳۰ فضیلت برای نمازشب برشمرده شده است که به برخی از فضایل آن اشاره می‌شود:

تمام انبیا نمازشب داشتند. نماز شب، رمز سلامتی بدن و روشنایی قبر است. نماز شب، در اخلاق، رزق، برطرف شدن اندوه، ادای دین و نور چشم مؤثّر است. نماز شب، گناه روز را محو می‌کند و نور قیامت است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پاداش نماز شب آن قدر زیاد است که خداوند می‌فرماید: هیچ کس پاداشی را که برای آنان در نظر گرفته شده نمی‌داند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شرف مؤمن، نماز شب است و عزّتش، آزار و اذیّت نکردن مردم.

در کلمه‌ی «مَقاماً» عظمت نهفته است (به خاطر تنوین) و در روایات آمده که «مقام محمود» همان شفاعت است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: گناهان و اعمال و رفتار بد انسان، موجب محرومیّت او از نمازشب می‌شود.

خداوند به تمام قطعات زمان سوگند یاد کرده است. مثلًا: «وَ الْفَجْرِ»، «وَ الصُّبْحِ»، «وَ النَّهارِ»، «وَ الْعَصْرِ» اما به سحر سه بار سوگند یاد شده است: «وَ اللَّیْلِ إِذا یَسْرِ» «۱۱»، «وَ اللَّیْلِ إِذا عَسْعَسَ»، «وَ اللَّیْلِ إِذْ أَدْبَرَ» یعنی سوگند به شب هنگام تمام شدنش.

و در باره‌ی استغفار در سحر دو آیه آمده است: «وَ بِالْأَسْحارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ»، «الْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحارِ» «۲»

پیام‌ها:

۱. نماز شب بر پیامبر اسلام واجب بود. «فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَکَ» آری مقام رهبری، مستلزم تکالیف سنگین‌تری است.

۲. دل شب بهترین زمان برای عبادت است. «وَ مِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ»

۳. مقامات پسندیده معنوی، در سایه‌ی عبادت و عبودیّت پیدا می‌شود. «فَتَهَجَّدْ، مَقاماً مَحْمُوداً»

۴. ما با عبادت‌های خویش، حقی بر خدا نداریم که طلب کنیم، هر چه هست، امید است و فضل او. «عَسی»

۵. نماز شب به تنهایی کافی نیست، کمالات دیگری نیز لازم است. «عَسی»

۶. تا کسی خود گامی به سوی کمال برندارد، خداوند او را به مقامی نمی‌رساند. «فَتَهَجَّدْ ... یَبْعَثَکَ رَبُّکَ»

۷. مقامی ارزشمند است که نزد خدا پسندیده باشد، و گرنه شهرت‌های پوچ، ارزشمند و ماندگار نیست. آری دود به هوا و بالا می‌رود، ولی روسیاه است. «یَبْعَثَکَ رَبُّکَ»

۸. خداوند، خودش شفاعت را برای اولیا پسندیده است، نه آنکه اولیای الهی نسبت به بندگان از خدا مهربان‌تر باشند. «یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً»

آیه ۸:

وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلی وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فِي عامَیْنِ أَنِ اشْکُرْ لِي وَ لِوالِدَیْكَ إِلَيَّ الْمَصِیر

(آیه ۱۴ سوره لقمان)

و ما به انسان درباره‌ی والدینش، به ویژه مادرش این طور سفارش کردیم: «مرا شکر کن، آنان را هم». مادرش که او را در دوران حاملگی به شکم می‌کشد، هر روز توانش بیش از پیش تحلیل می رود. تازه، دو سال هم شیرش می‌دهد. حواستان باشد که آخرعاقبت همه به من ختم می‌شود.

نکته‌ها:

کلمه‌ی «وهن»، به معنای ضعف جسمانی است، چنان که «توهین» به معنای تضعیفِ شخصیّت است.

دایره‌ی احسان، گسترده‌تر از انفاق است. احسان، شامل هر نوع محبّت و خدمت می‌شود، ولی انفاق معمولًا در کمک‌های مالی به کار می‌رود. در قرآن کریم، احسان به والدین در کنار توحید مطرح شده است. «وَ قَضی رَبُّکَ أَلّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِیَّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً».

در آیه مورد بحث، ابتدا درباره‌ی نیکی به والدین سفارش شده، سپس به دوران بارداری مادر اشاره کرده تا وجدان اخلاقی انسان را تحریک و بیدار کند و به او تذکّر دهد که گذشته‌ها را فراموش نکند. همواره به یاد داشته باشد که مادرش او را حمل کرد و از شیره‌ی جانش به او داد و به خاطر آسایش او از خواب و خوراک خود صرف نظر کرد که هیچ کس حاضر نبود چنین زحمت هایی را تحمّل کند. چون حقّ مادر بیشتر در معرض تضییع است و یا حقّ او بیش از پدر است، خداوند سفارش مخصوص نموده است.

پیام‌ها:

۱. از سخن حقّ پیروی کنیم، چه موعظه‌ی بنده‌ی خدا باشد، «لقمان» و چه وصیّت خداوند سبحان. «وَصَّیْنَا»

۲. همه‌ی انسان‌ها، در هر رتبه و شرایطی که باشند مدیون والدین هستند. «وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ»

۳. احترام والدین، حقّی است انسانی نه فقط اسلامی، حتّی والدین کافر را باید احسان نمود. «وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ»

۴. آن که زحمت بیشتری می‌کشد، باید به صورت ویژه تقدیر شود و نامش جداگانه برده شود. «بِوالِدَیْهِ ... أُمُّهُ»

۵. به بهانه آن که کاری، وظیفه‌ی طبیعی فردی است، نباید از سپاس و احسان او، شانه خالی کنیم. (بارداری، امری طبیعی است، ولی ما مسئولیّت داریم که به مادر احترام گذاریم و از زحمات او قدردانی کنیم). «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ»

۶. یادی از گذشته‌ها کنیم تا روحیّه‌ی شکرگزاری در ما زنده شود. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ»

۷. تحمّل سختی در راه انجام وظیفه، سرچشمه‌ی پیدایش حقوق فوق العاده است. کسانی که با وجود ضعف و خستگی بار مسئولیّتی را بر دوش می‌کشند، حقّ بیشتری بر انسان دارند. «وَهْناً عَلی وَهْنٍ»

۸. سپاسگزاری از والدین، از جایگاه والایی نزد خداوند برخوردار است. «أَنِ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ» بعد از شکر خداوند، تشکر از والدین مطرح است.

۹. سرانجام همه‌ی ما به سوی خداست، پس از ناسپاسی نسبت به والدین بترسیم. «إِلَیَّ الْمَصِیرُ»

۱۰. ایمان به رستاخیز، انگیزه‌ی عمل صالح از جمله احسان به والدین است. «إِلَیَّ الْمَصِیرُ»

۱۱. حقِّ خداوند، بر حقّ والدین مقدّم است. «أَنِ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ» تشکّر و احسان به والدین، ما را از خداوند غافل نکند.

در پایانِ پیام‌های این آیه، به طور گذرا به بحثِ احسان به والدین، اشاره اجمالی داریم:

احسان به والدین: در آیه‌های۸۳ سوره‌ی بقره، ۳۶ سوره‌ی نساء، ۱۵۱ سوره‌ی انعام و ۲۳ سوره‌ی اسراء در رابطه با احسان به والدین سفارش شده، ولی در سوره‌ی لقمان، احسان به والدین به صورت وصیّت الهی مطرح شده است.

در موارد متعدّدی از قرآن، تشکّر از والدین در کنار تشکّر از خدا مطرح شده و در بعضی موارد نیز به زحمات طاقت فرسای مادر اشاره شده است.

جایگاه والدین به قدری بلند است که در آیه‌ی بعد می‌فرماید: اگر والدین تلاش کردند تو را به سوی شرک گرایش دهند، از آنان اطاعت نکن، ولی باز هم رفتار نیکوی خود را با آنان قطع نکن. یعنی حتّی در مواردی که نباید از آنان اطاعت کرد، نباید آنها را ترک کرد.

در روایات می‌خوانیم که احسان به والدین در همه حال لازم است، خوب باشند یا بد، زنده باشند یا مرده.

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: بعد از نماز اوّل وقت، کاری بهتر از احترام به والدین نیست.

گستره‌ی معنای والدین:

در فرهنگ اسلام، به رهبر آسمانی، معلّم و مربّی و پدرِ همسر نیز پدر گفته می‌شود.

در روزهای پایانی عمر پیامبر که حضرت در بستر بیماری بودند، به علی علیه السلام فرمودند: به میان مردم برو و با صدای بلند بگو: لعنت خدا بر هر کس که عاقّ والدین باشد، لعنت خدا بر هر برده‌ای که از مولایش بگریزد، لعنت خدا بر هر کسی که حقّ اجیر و کارگر را ندهد. حضرت علی علیه السلام آمد و در میان مردم این جملات را گفت و برگشت. بعضی از اصحاب این پیام را ساده پنداشتند و پرسیدند: ما درباره‌ی احترام به والدین و مولا و اجیر قبلًا این گونه سخنان را شنیده بودیم، این پیام تازه‌ای نبود که پیامبر از بستر بیماری برای ما بفرستد.

حضرت که متوجّه شد مردم عمق پیام او را درک نکرده‌اند، بار دیگر علی علیه السلام را فرستاد و فرمود: به مردم بگو: مُرادم از عاقّ والدین، عاق کردن رهبر آسمانی است. یا علیّ! من و تو پدر این امّت هستیم و کسی که از ما اطاعت نکند عاقّ ما می‌شود. من و تو مولای این مردم هستیم و کسانی که از ما فرار کنند، مورد قهر خدا هستند. من و تو برای هدایت این مردم اجیر شده‌ایم و کسانی که حقّ اجیر را ندهند، مورد لعنت خدا هستند. در این ماجرا ملاحظه می‌فرمایید که گرچه احسان و اطاعت از والدین یک معنای معروف و رسمی دارد، ولی در فرهنگ اسلام مسأله از این گسترده‌تر است.

آیه ۹:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (آیه ۱۳۰ سوره آل عمران)

مسلمانان! ربا (و بهره‌ی پول) نخورید، آن هم با سود چند برابر! و در حضور خدا مراقب بده بستان های مالی تان باشید تا خوشبخت شوید.

نکته‌ها:

این آیه همراه با هشت آیه‌ی بعد، در میان آیات جنگ احد قرار گرفته است. شاید این امر به این جهت باشد که مسائل اخلاقی و اقتصادی، در یک نظام دفاعی مؤثّر است. جامعه‌ای که افرادش اهل اخلاص و ایثار، و سبقت در کارهای خیر و

اطاعت از رهبر باشند، در جنگ هم موفّق خواهند بود، ولی جامعه‌ی پول پرست و بخیل و نافرمان و مصرّ بر ارتکاب گناه، یقیناً شکست خواهد خورد.

آیات تحریم ربا، در چند مرحله و به صورت تدریجی نازل شده است. گام اوّل، انتقاد از رباخواری یهود بود: «وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ» «۱» گام دوّم این آیه است که منع از ربای چندین برابر می‌کند و در گام سوّم، اسلام حتّی یک درهم ربا را تحریم و به منزله‌ی جنگ با خدا معرّفی کرده است.

پیام‌ها:

۱. ایمان، زیر بنای عمل به دستورات است. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا»

۲. قبل از تحریم ربا، نمونه‌های زشت و برجسته آن تحریم شد. «أَضْعافاً مُضاعَفَةً»

۳. رعایت تقوی در مسائل اقتصادی به شدّت لازم است. «لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا»، «اتَّقُوا اللَّهَ»

۴. رستگاری با رباخواری بدست نمی‌آید، بلکه با تقوا حاصل می‌شود. «لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا»، «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»

۵. رباخوار، نه در دنیا رستگار است، (به خاطر تشدید اختلافات طبقاتی که منجر به تفرقه و کینه‌ی محرومان و انفجار آن‌ها می‌شود) و نه در آخرت. (به خاطر گرفتاری به قهر خداوند). «لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا»، «لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»

آیه ۱۰:

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ سَیَجعَلُ لَهُمُ الرَّحمنُ وُدًّا (آیه ۹۶ سوره مریم)

خدای رحمان کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، محبوب همه گرداند.

مقام معظم رهبری: امام بزرگوار ما مصداق این آیه‌ی شریفه بود؛ هدف او، هدف الهی؛ رفتار او، رفتار ایمانی؛ و عمل او، عمل صالح. این است که در فضای ذهنیت جامعه‌ی اسلامی، برای چنین موجودی می‌ماند و میرائی ندارد؛ مثل سلسله‌ی انبیاء الهی و اولیاء الهی که جسمشان از مردم غایب شد، اما حقیقتشان و هویتشان زنده است.

نکته‌ها:

بارها دیده‌ایم که هرگاه انسان‌های با ایمان و صالح از دنیا می‌روند، حتّی افراد لاابالی و فاسق هم در غم فرو می‌روند و ناخودآگاه به عزا می‌نشینند و اشک می‌ریزند و یادش را گرامی داشته، قبرش را زیارت می‌کنند و یا خاطراتش برای دیگران بازگو می‌کنند. همه این ها به خاطر فطرت پاک وکمال‌دوستی انسان است.

آری، کسی که تنها به خدا دل ببندد، خداوند هم دل‌های مردم را به او متوجّه می‌کند. کسی که به یاد خدا باشد، خداوند او را یاد می‌کند. «فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ»

پیام‌ها:

۱. ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان، کارساز نیست. آمَنُوا وَ عَمِلُوا ...

۲. ایمان و کار شایسته، کلید محبوبیّت نزد مردم است. «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَیَجْعَلُ ... وُدًّا» هرگاه دیدیم محبوبیّت ما کم شده، عقیده یا عملکرد خود تجزیه و تحلیل کنیم. زیرا که وعده‌ی خداوند تخلّف ندارد.

۳. محبوب‌شدن به دست خداست. «سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ» دل‌ها نیز به‌دست اوست.

۴. محبوب شدن، رحمتی الهی است که نصیب مؤمنان و صالحان می‌شود. «سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ»

۵. ممکن است امروز به کار شایسته‌ی شما ارج ننهند، ولی صبر و تلاش مداوم شما، در آینده به ثمر خواهد نشست. سَیَجْعَلُ...

۶. محبوبیّت، از الطاف و پاداش‌های الهی در دنیاست. «سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا» (مؤمنان وصالحان علاوه بر پاداش آخرت، در همین دنیا نیز پاداش می‌گیرند).

آیه ۱۱:

وَ قالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ (آیه ۶۰ سوره غافر)

خدا می گوید: فقط مرا بخوانید تا سریع به شما پاسخ بدهم. کسانی که خود را بالاتر از این می بینند که مرا بپرستند، به همین زودی‌ها با خفت و خواری وارد جهنم می‌شوند.

نکته‌ها:

سؤال: با این که خداوند وعده‌ی استجابت داده است، «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ» چرا برخی دعاهای ما مستجاب نمی‌شود؟

پاسخ: الف) بعضی اعمال نظیر گناه و ظلم و خوردن لقمه‌ی حرام و عفو نکردنِ کسانی که از ما عذرخواهی می‌کنند، مانع استجابت دعا می‌شود.

ب) گاهی مستجاب شدن دعای ما نظام آفرینش را به هم می‌ریزد، نظیر دانش آموزی که در امتحان جغرافیا در پاسخ این سؤال که آیا سطح دریاها بالاتر است یا کوه‌ها؟ چون به اشتباه نوشته بود سطح دریاها بالاتر است! از خداوند خواسته بود که این دو را جابه‌جا کند تا او نمره‌ی قبولی بگیرد! به هر حال خداوند همان گونه که قادر است، حکیم نیز هست.

ج) گاهی آن دعا مستجاب نمی‌شود، ولی مشابه آن مستجاب می‌شود.

د) گاهی اثر دعا در آینده‌ی خود انسان یا خانواده و نسل او یا در قیامت نتیجه می‌دهد و فوری مستجاب نمی‌شود.

هر دعایی که مستجاب نشود در حقیقت دعا نیست، چون دعا به معنای طلب خیر است و بسیاری از خواسته‌های ما شرّ است نه خیر.

آداب دعا در قرآن

۱- دعا همراه ایمان و عمل صالح باشد. «یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» ۲- با اخلاص باشد. «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ» ۳- با تضرّع و مخفیانه باشد. «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً» ۴- با بیم و امید باشد. «وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ

طَمَعاً» ۵- در ساعاتی خاص باشد. «یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِیِّ» ۶- دعا کننده از اسمای الهی بهره بگیرد. «وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنی فَادْعُوهُ بِها»

پیام‌ها:

۱. گفتگو با خداوند، کلید رشد و تربیت انسان است. «قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی»

۲. میان دعای انسان و ربوبیّت خداوند، رابطه‌ای تنگاتنگ است. (اکثر دعاهای قرآن همراه «رَبَّنا» آمده است). «رَبُّکُمُ ادْعُونِی»

۳. خداوند، از ما خواسته که به درگاه او دعا کنیم. «قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی»

۴. در دعا فقط خدا را بخوانیم، نه خدا و دیگران را در کنار هم. «ادْعُونِی»

۵. خداوند نیازهای ما را می‌داند، ولی دستور دعا نشانه‌ی آن است که درخواست ما آثاری دارد. «ادْعُونِی»

۶. استجابت دعا وعده الهی است. «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»

۷. اگر دعایی مستجاب نشد لابد به سود ما نبوده است، چون فرمود: «أَسْتَجِبْ لَکُمْ» آنچه را به نفع شما باشد مستجاب می‌کنم.

۸. دعا نکردن، نشانه‌ی تکبّر است. «یَسْتَکْبِرُونَ»

۹. دعا، درمان تکبّر است. «یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی»

۱۰. دعا، خود عبادت است. «یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی»

۱۱. مجازات خداوند عادلانه و متناسب با نوع رفتار و کردار آدمی است. استکبار امروز، سرافکندگی فردا را به دنبال دارد. «یَسْتَکْبِرُونَ»، «داخِرِینَ»

آیه ۱۲:

وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها لا نَسْئَلُکَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُکَ وَ الْعاقِبَةُ لِلتَّقْوی (آیه ۱۳۲ سوره طه)

به خانواده ات سفارش کن نماز بخوانند. خودت هم به آن مداومت کن. البته به نمازِ تو نیاز نداریم؛ ماییم که نیاز تو را برطرف می‌کنیم. عاقبت به‌خیری هم در مراقبت از رفتار است.

نکته‌ها:

در روایات متعدّدی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر صلی اللّه علیه و آله تا چندین ماه دَرب خانه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام را می‌زدند و در آستانه در می‌فرمودند: «الصلاه» آن گاه به قرائت آیه تطهیر می‌پرداختند.

هر گاه وضع زندگی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله تنگ می‌شد، این آیه را تلاوت می‌فرمود، آن گاه به افراد خانه دستور می‌دادند تا نماز بخوانند.

«اصْطَبِرْ عَلَیْها» یعنی هم در انجام نماز و هم در امر به آن تأکید و پایداری کن.

پیام‌ها:

۱. مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادّی آنان کافی نیست. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ»

۲. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های امر به معروف، خانواده و نزدیکان انسان است. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ» ... (دایره‌ی اهل، به زن و فرزند منحصر نیست، بلکه همه‌ی افراد خاندان را شامل می‌شود.)

۳. مُبلّغ باید در مرحله‌ی اوّل به تبلیغ خانواده خود بپردازد. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ»

۴. اوّلین مرحله‌ی تربیت، کانون خانواده است. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ»

۵. فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمز بیمه شدن اعضای خانواده است. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاه»

۶. موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت خاصی است، باید والدین بر آن اصرار کنند. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها»

۷. امر به معروف، مداومت و پایداری لازم دارد. «اصْطَبِرْ عَلَیْها»

۸. خداوند از عبادت ما سودی نمی‌برد، ثمره‌ی آن به خود ما باز می‌گردد. «لا نَسْئَلُکَ رِزْقاً»

۹. سفارش به نیکی‌ها باید جدّی و همراه بیان آثار باشد. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ ... وَ الْعاقِبَةُ لِلتَّقْوی»

۱۰. نماز، زمینه‌ساز پاکدامنی و تقواست. «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاةِ ... وَ الْعاقِبَةُ لِلتَّقْوی»

۱۱. حسن عاقبت در سایه‌ی تقوای الهی است، نه مادّیات. «وَ الْعاقِبَةُ لِلتَّقْوی»

آیه ۱۳:

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ (آیه ۹۶ سوره اعراف)

و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و مراقب رفتارشان باشند، درهای ناز و نعمت را از آسمان و زمین به رویشان می گشاییم؛ ولی متأسفانه آیه‌ها و نشانه‌هایمان را دروغ می‌دانند. ما هم به‌سزای کارهای زشتشان، گرفتار عذابشان می‌کنیم.

نکته‌ها:

«بَرَکاتٍ» به موهبت‌های ثابت و پایدار گفته می‌شود، در مقابل چیزهای گذرا. در معنای «برکات»، کثرت، خیر و افزایش وجود دارد. برکات، شامل برکات‌های مادّی و معنوی می‌شود، مثل برکات در عمر، دارایی، علم، کتاب و امثال آن.

سؤال: اگر ایمان و تقوا سبب نزول برکات است، پس چرا کشورهای کافر، وضع بهتری دارند و کشورهای اسلامی با مشکلات فراوانی روبرو هستند؟

پاسخ: اولًا آن کشورها از نظر علم و صنعت جلو هستند، ولی از نظر روحی و روانی آرامش ندارند. از این نظر آنان نیز مشکلات فراوانی دارند.

ثانیاً: اغلب کشورهای اسلامی، تنها نام اسلام را با خود دارند و قوانین و رهنمودهای دین اسلام در آنجا حاکم نمی‌باشد.

به علاوه گاهی رفاه مادّی، نوعی قهر الهی است. چنان که قرآن می‌فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْءٍ» چون تذکّرات الهی را فراموش کردند، درهای همه چیز را به رویشان گشودیم تا سرمست شوند.

در قرآن، دو نوع گشایش برای دو گروه مطرح است: الف: رفاه و گشایش برای خوبان که همراه برکات است، «لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ». ب: رفاه و گشایش برای کفّار و نااهلان که دیگر همراه برکات نیست، «فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْءٍ»، زیرا چه بسا نعمت‌ها، ناپایدار و سبب غفلت و غرور و طغیان باشد. خداوند، این رفاه و گشایش کفّار را وسیله‌ی مهلت و پرشدن پیمانه‌ی آنان قرار داده است. بنابراین به هر نعمت ظاهری نباید دل خوش کرد، زیرا اگر این نعمت‌ها برای مؤمنین باشد، مایه‌ی برکات است، و اگر برای کفّار باشد، ناپایدار و وسیله‌ی قهر الهی است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: گاهی بنده‌ای از خداوند حاجت و تقاضایی دارد و خداوند دعایش را مستجاب می‌کند و مقرّر می‌شود تا مدّتی دیگر برآورده شود. امّا پس از آن، بنده گناهی را انجام می‌دهد که موجب برآورده نشدن حاجتش می‌شود.

از مصادیق بارز این آیه، دوران ظهور حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه) است که به گفته‌ی روایات، در آن زمان برکات از آسمان و زمین سرازیر می‌شود.

پیام‌ها:

۱. ایمان آوردن و متّقی شدن جامعه، کار بسیار سختی است. «لَوْ ...»، «آمَنُوا وَ اتَّقَوْا» («لَوْ»، نشانه‌ی کار بسیار سخت و نشدنی است)

۲. برای دریافت الطاف و برکات اجتماعی خداوند، ایمان و تقوای فردی کافی نیست، باید اکثریّت جامعه اهل ایمان و تقوا باشند. «أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا»

۳. ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه تقوا لازم است. «آمَنُوا وَ اتَّقَوْا»

۴. سرمایه‌گذاری روی فرهنگ و معنویّت جامعه، بازده اقتصادی هم دارد. «آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ»

۵. وعده‌های الهی را جدّی بگیریم. با ایمان و تقوا، نزول برکات حتمی است. (حرف لام در «لَفَتَحْنا»)

۶. بستن و گشایش، در اختیار خداست، «لَفَتَحْنا» امّا بازتابی از عملکرد ماست.

۷. ایمان و تقوا سبب نزول برکات می‌شود، ولی هر نعمت و رفاهی معلول ایمان و تقوا نیست. «آمَنُوا وَ اتَّقَوْا» ... «بَرَكاتٍ»

۸. عامل محرومیّت‌ها و مشکلات، عملکرد خود ماست. «بِما كانُوا يَكْسِبُونَ»

۹. لجاجت و پافشاری بر گناه، سبب قهر و عذاب الهی است. «فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ»

آیه ۱۴:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (آیه ۱۱ سوره حج)

بعضی ها هم هستند که خدا را با تنها زبان و ظاهر (منفعت‌طلبی) می‌پرستند؛ اگر خیری به آن‌ها برسد، دلگرم به آن‌اند و اگر به شری دچار شوند، به‌هم می‌ریزند! این‌ها نه دنیا دارند و نه آخرت. این است همان ضرر و زیان آشکار است.

نکته‌ها:

در این آیه به افراد سست عنصر و ضعیف الایمانی اشاره شده که در هر جامعه‌ای وجود دارند و از زاویهٔمنافع مادی به دین می‌نگرند و معیار حقانیت دین را مسائل مادی می پندارند؛ یعنی هرگاه در کنار دین زندگی مرفهی پیدا کنند، ایمانشان محکم می شود و اگر گرفتار مشکلات و آزمایش‌ها گردند، ناراحت می شوند و به دین پشت می کنند.

«حَرْف» به معنای «کنار و جانب چیزی» است و مقصود آن است که این افراد دین را از بُعد مادیات می‌خواهند، نه از همه‌ی اطراف و جوانب آن. یعنی آن ها در متن ایمان و اسلام قرار ندارند، بلکه در کنار و لبه‌ی آن هستند و از این‌رو متزلزل اند و هرگاه مشکلی پیدا شد خود را کنار می کشند و ایمانشان بر باد می رود. اینان ایمانشان فقط زبانی و در حد حرف است نه ایمان قلبی مستقر و محکم.

پیام‌ها:

۱. ایمان بعضی‌ها موسمی و سطحی است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می‌دهد. وَ مِنَ النّاسِ ...

۲. حساب عقیده و عملی که بر اساس منطق است، از حساب فراز و نشیب‌های مادّی جداست. (دین را برای نان نخواهیم) فَإِنْ أَصابَهُ خَيْرٌ ...

۳. انسان در معرض هجوم حوادث تلخ و شیرین است. أَصابَهُ ... أَصابَتْهُ

۴. فقر و ناملایمات وسایل آزمایشند. «أَصابَتْهُ فِتْنَةٌ»

۵. ارتداد و بازگشت از راه خداوند، قهر شدید الهی و عذاب دوزخ را به‌دنبال دارد. «انْقَلَبَ عَلى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةَ»

آیه ۱۵:

الْمالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيْرٌ أَمَلاً (آیه ۴۶ سوره کهف)

مال و فرزندان، زرق و برق زندگی دنیاست. از آن طرف، کارهای خوبِ ماندنی از نظر خدا ثواب ارزشمندتری دارد و امیدبخشیِ بیش‌تری.

نکته‌ها:

در روایات، برای «الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ» نمونه‌هایی همچون، نمازهای پنجگانه، ذکر خدا و محبّت اهل بیت علیهم السلام بیان شده است، ولی این‌ها مصادیقی است که مفاهیم قرآن را مخصوص به خود نمی‌سازد.

همه‌ی نعمت‌های مادّی، زینت دنیا هستند، ولی مال و فرزند جلوه‌ی بیشتری دارد و به همین دلیل نام این دو از میان نعمت‌های بی‌شمار الهی مطرح شده است. و چون غالباً پسران نیروی فعّال اقتصادی هستند، لذا در کنار «مال»، «بنون» آمده است. «الْمالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا»

پیام‌ها:

۱. جلوه‌ی مال و فرزند تنها در دنیاست، در آخرت، ثروت و فرزند، سودی نمی‌بخشد. «زِينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا»

۲. آنان که امکانات مادی دارند مغرور نشوند. آنان هم که ندارند، مأیوس نباشند. «الْمالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ ... وَ الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ»

۳. در پیشگاه خداوند، هیچ عمل صالحی محو نمی‌شود و پاداش‌ها تضمین شده است. «وَ الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً»

۴. ارزش کارهای نیک را همه نمی‌دانند. بیش‌تر مردم خیر و ارزش را در کامیابی‌های مادّی می‌پندارند. «خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ»

۵. پاداش و کیفر، لازمه‌ی تربیت و از شئون ربوبیّت است. «عِنْدَ رَبِّكَ»

۶. تنها به پاداش فکر نکنید، به آینده‌ی پایدار هم بیندیشید. «خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيْرٌ أَمَلًا»

۷. در ارشاد و تربیت، از آرزوها و امیدهای مردم استفاده کنیم. «خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيْرٌ أَمَلًا»

مجمع قرآنیان شهرستان طبس

رمضان ۱۴۰۱ هجری شمسی